



نجات ابدی به حب و بغض است

از مباحث اعتقادی که بسیاری در آن به نتیجه درستی نرسیده اند بحث نجات خلق و مخلد شدن ایشان در بهشت یا جهنم است.

در این خصوص دو دسته احادیث وارد شده که هر فرقه و گروهی به یکی از آن دو تمسک جسته و از جمع آن ناتوان شده اند.

دسته ای از احادیث رحمت خداوند را بسیار واسع میدانند، بطوری که مثلاً کسی قطره اشکی برای امام حسین ع ریخته باشد نجات پیدا میکند. از آن طرف آیات و احادیثی هم داریم که نجات برای کسی است که با اعتقادات صحیح بمیرد و کسانی که این دسته احادیث را گرفته اند میگویند فقط ما نجات پیدا میکنیم و سایرین اگر اشکی میریزند یا محبتی دارند واقعی نیست.

اما بنده بشرح زیر نظر ثالثی را از مجموع این احادیث و کلام مرحوم کرمانی اع متوجه میشوم:

و آن اینکه تنها مؤثری که میتواند منجر به بهشت یا جهنم ابدی شود حب و بغض است که فرموده اند
هل الدین (الایمان) الا الحب و البغض.

اما سایر مسائل اعم از گناهان جسمی، فکری و اعتقادی به ترتیب، حسابرسی آن در دنیا، برزخ و آخرت خواهد بود و به همان مقدار، دچار عذابی موقت خواهیم شد. و هیچکدام ضرری به حبی که داشته باشیم نخواهد زد .. همانطور که فرموده اند **حب علی حسنة لا تضر معها سيئة.**

لذا همانطور که از شیعه گناهکار نمیتوان نجات ابدی را منع دانست همانطور کسی که ایرادی در اعتقادات دارد هم اگر حب علی ع را داشته باشد نمیتوان برای او جهنم ابدی را حکم کرد. نهایت گناه او عمیق تر است و در آخرت عذاب خواهد شد.

و موارد زیادی داشته ایم که فردی در ظاهر با اعتقاد غلطی فوت شده اما نجات پیدا کرده است، مانند حر یا وهب تازه مسلمان شده ای که در کربلا از شهدا شد و معلوم است چیز زیادی از اعتقادات حق نمیدانستند و بسیاری از چیزهایی که باور داشتند هنوز بر آیین سنی یا مسیحی بوده. یا داستان سنی بغدادی که مرحوم کرمانی اع تعریف میکنند و میفرمایند:

مرحوم سید بزرگوار اعلی الله مقامه حکایت فرمودند که وقتی یکی از سنیان در بغداد فوت شده بود و او را آوردند به کربلا و در صحن مقدس دفن کردند و چون شب در آمد یکی از ساکنین صحن مقدس که در آنجا منزل و مسکن داشت می گوید من در میان شب بیدار بودم و در گوشه ای از صحن آرام داشتم پس ناگاه دیدم که در جایی از صحن بر سر قبوری روشنی و جمعیتی می باشد با خود گفتم شاید کسی فوت شده و این جماعت مشغول دفن او می باشند که ناگاه دیدم که آن جماعت ریسمانی بر پای میتی بسته و او را بر خاک کشیده و بردند که از باب السدر بیرون برند پس چون به در باب السدر رسیدند پس ناگاه دیدم که آن میت روی خود را به سمت قبه مطهره کرده عرض کرد یا ابا عبدالله آیا این درست است که کسی که پناه به تو آورده او را از جوار تو بیرون کنند پس در این وقت آوازی از قبه مطهره بر آمد که واگذارید او را. پس از مشاهده این احوال مدهوش و بیهوش شدم و آن شخص تا ظهر روز دیگر بیهوش بود چون او را بیهوش آوردند این قصه را حکایت نمود به او گفتند بیا و آن موضع را سراغ بده چون آمد سراغ داد همان موضعی بود که آن سنی بغدادی را روز قبل دفن کرده بودند و من عرض کردم خدمت سید بزرگوار اعلی الله مقامه که چگونه می شود که سنی از اهل شفاعت باشد آن بزرگوار فرمودند آن سنی عداوتی در دل خود نداشته و هنوز به مرتبه عداوت نرسیده بوده.

و میبینیم که شخص به مذهب تسنن فوت شده اما باز هم نجات پیدا میکند. چون همین که اهل بغداد و سنی بوده اما در حرم امام حسین ع دفن شده و از ایشان کمک خواسته معلوم است که محبتی به امام حسین ع داشته است.

همینطور احادیثی که میفرمایند:

عن الصادق علیه السلام: ما من احد قال فی الحسين شعرا فبکی و ابکی به الا اوجب الله له الجنة و غفر له.

هیچ کس نیست که درباره حسین علیه السلام شعری بسراید و بگرید و با آن بگریاند مگر آن که خداوند، بهشت را بر او واجب می کند و او را می آمرزد.

عن الصادق علیه السلام: من قال فینا بیت شعر بنی الله له بیتا فی الجنة.

هر کس در راه ما و برای ما یک بیت شعر بسراید، خداوند برای او خانه ای در بهشت، بنا می کند.

عن الصادق عليه السلام: من دمعت عيناه فينا قطرة بوأه الله عز و جل الجنة.

چشمان هر کس که در مصیبت‌های ما قطره ای اشک بریزد، خداوند او را در بهشت جای می دهد.

قال رسول الله (ص): حب علي بن ابيطالب يأكل السيئات كما تأكل النار الحطب.

دوستی علی بن ابی طالب بدیها را میخورد (از بین میبرد) همچنان که آتش هیزم را میخورد

عن النبي (ص): لما أسرى بي الى السماء لقتني الملائكة بالبشارة في كل سماء حتى لقيني جبرائيل في محفلة من الملائكة فقال: يا محمد؛ لو اجتمع امتك على حب علي بن أبي طالب (ع) ما خلق الله النار.

پیامبر اکرم (ص) فرمودند شبی که به آسمانها برده شدم، در هر آسمانی ملائکه را ملاقات کردم که مرا بشارت می دادند تا اینکه جبرئیل را در محفلی از ملائکه ملاقات کردم و او گفت: ای محمد! اگر امت تو بر محبت حضرت علی (ع) اجتماع می کردند، خداوند آتش را خلق نمی کرد.

و الی آخر از احادیثی که تنها حب و بغض را باعث نجات دانسته و به رحمت واسع خداوند برای بخشش أعراض، اشاره دارد.

اما این مطلب به سه تبصره نیازمند است.

تبصره اول اینکه برای جمع آن با آیات و روایاتی که میفرمایند تا قبل از مرگ، شخص باید به اعتقاد صحیح رسیده باشد، میگویم:

لزومی ندارد شخصی که ایرادی در اعتقادات دارد، اصلاح آن را باید برای شما ابراز کند. بسا تا دقایق آخر برای خود هم نکرده باشد و همچنان به صحت اعتقاد خود باور دارد. اما در آخرین لحظات مرگ، امیرالمؤمنین ع یا طبق احادیث دیگری تمامی ائمه علیهم السلام نزدش حاضر میشوند چنانکه فرموده اند یا حار همدان! من یمت یرنی. من مؤمن او منافق، قبل.

و ائمه علیهم السلام بیکار نیستند که صرفاً نمایشی برقرار کرده باشند. بلکه آن دیدار در آن لحظاتی که هیچ علقه و غرض دیگری باقی نمانده، بر تمام مردم آخرین اتمام حجت را میکنند و آنجاست که آن حب یا بغض مکنون کار خودش را خواهد کرد.

و آن اتمام حجتی است که حتی بر عمر هم کردند و وارد شده که در لحظات آخرش امیر المؤمنین علیه السلام به او فرمودند به حق اقرار کن و آنچه کردی را می بخشیم که گفت النار و لاالعار و بدرک واصل شد.

تبصره دوم اینکه بهشت مراتبی دارد، و هر محبی از اهل بیت علیهم السلام به جایگاه خودش وارد میشود. یعنی قطعاً دوستاری که اعتقادات یا اعمالش در دنیا صحیحتر بوده یا معرفت بیشتری به حق ائمه علیهم السلام داشته، از کسی که به عذاب های مختلف پاک خواهد شد، در یک درجه قرار نمیگیرند.

مخصوصاً در مورد افرادی که بخاطر مشکل اعتقادی یا نقصی در حب و بغض عذاب آخرت را موقتاً

میکشند، مرحوم کرمانی اع میفرماید:

بسا آنکه بعضی از شیعیان معصیت ایشان به سرحدی باشد که مصیبت های دنیا و سختی های مرگ و برزخ و احوال قیامت کفاره گناهان ایشان نشود و ایشان در قیامت عرض می کنند خدمت ائمه سلام الله علیهم که ما از دوستان شما ایم ایشان سلام الله علیهم می فرمایند که این بدنهای شما کثیف و غلیظ است و اعراض و غرایب بسیار دارد و قابل معانقه حورالعین و داخل شدن در بهشت و نشستن بر حریر و استبرق بهشت نیست پس ایشان را در طبقه اول جهنم داخل می کنند و در آنجا معذب می باشند و می سوزند تا آنکه مکافات گناهانشان بشود و مثل ذغال سیاه می شوند پس رحمت خداوند عالم و شفاعت و رأفت حضرات ائمه سلام الله علیهم شامل حال ایشان می شود و ایشان را از جهنم بیرون می آورند و در چشمه ای که در بیرون بهشت است آنها را شستشو می دهند و بدن ایشان پاک و پاکیزه و صورتهای ایشان خوب و نیکو شده و قابل داخل شدن بهشت می شوند آنگاه ایشان را داخل بهشت می کنند لکن در مقام و منزلی پست تر و پایین تر از مقام سایر مومنین بلکه تا مدتی اهل بهشت ایشان را جهنمیون می گویند تا اینکه استغاثه می کنند بسوی خداوند عالم و عرض می کنند که خدایا بعد از آمرزش و عفو تو این همه زلت و خواری از برای ما روا مدار پس خداوند عالم محو می فرماید از دل های اهل بهشت که ایشان در جهنم بوده اند و فراموش می کنند.

تبصره سوم اینکه حب و بغض نشانه هایی دارد که از آن میتوان به اصالت آن تا حدودی پی برد. البته باز هم نباید نظر قطعی در مورد نجات ابدی شخصی داد، چرا که میتوان همان حالات هم عرضی باشد.

1- اگر شخصی ادعای حب داشته، اما با دوستان ائمه علیه السلام دشمنی کند، میتواند نشانه ای از بی اساس بودن ادعای محب بودنش باشد. چنانکه امام صادق ع فرموده اند: **لَيْسَ النَّاصِبُ مَنْ نَصَبَ لَنَا أَهْلَ الْبَيْتِ لِأَنَّكَ لَمْ تَجِدْ رَجُلًا يَقُولُ أَنَا النَّاصِبُ [أَبْغَضُ] مُحَمَّدًا وَ آلَ مُحَمَّدٍ وَ لَكِنَّ النَّاصِبَ مَنْ نَصَبَ لَكُمْ وَ هُوَ يَعْلَمُ أَنَّكُمْ تَتَوَلَّوْنَا وَ أَنَّكُمْ مِنْ شِيعَتِنَا.**

یعنی ناصبی آن کس نیست که ما اهل بیت را دشمن بدارد؛ زیرا کسی را نیایی که بگوید: من دشمن محمد و آل محمد هستم بلکه ناصبی آن کسی باشد که با شما شیعیان دشمنی کند در حالی که می داند شما ولایت ما را پذیرفته اید و از شیعیان ما هستید.

البته لازم به ذکر است که ادیت ها، دعوای و زد خورد هایی که سر مسائل دنیایی ایجاد میشود به این دشمنی که ذکر شد مربوط نیست، چرا که با رفع مسأله مورد مناقشه دشمنی و ادیت دنیایی رفع خواهد شد.

2- انکار فضائل نیز نشان از بی اساس بودن حب شخص دارد، چرا که دوست علی ع از شنیدن فضائل آنجناب به وجد می آید نه اینکه در مقام انکار برآید. البته در این افراد هم هستند کسانی که انکار ایشان بخاطر جهل و پایین بودن سطح فکری ایشان است. مانند داستان قنبر که وقتی از فضیلت شنید امیرالمؤمنین ع برای تقسیم روزی اهل زمین و آسمان رفته، برایش سنگین آمد. لذا باز هم نباید در مورد عدم نجات ابدی شخص نظر قطعی داد مگر اینکه آنچه انکار میکند نسبت به سطح فکری او در مباحث دیگر بالاتر نیست.

3- در صدد رد ضروریات نباشد، چرا که بدون هیچ شکی میداند از ائمه وارد شده و رد بر سخن قطعی ائمه علیهم السلام مغایر با حب ایشان است. البته موضوع بدون هیچ شک و تأویل و توضیح باید از ضروریات باشد (که شرح آن را در مطلب [پدیده شوم تفرقه و تکفیر کردم](#)) نه اینکه بزور بخواهیم گردن طرف بگذاریم.

خلاصه کلام اینکه از تمام شیعیان مخصوصاً شیخیه خواستارم، در مورد نجات یا عدم نجات ابدی جمیع محبین اهل بیت علیهم السلام نظری ندهند و مصداق ضرب المثل شاه می بخشد، شیخ علی خان نمی بخشد نباشند.

مرحوم کرمانی اع میفرمایند:

اگر خواسته باشم بگویم که آن بزرگواران سلام الله علیهم تا کجا و تا چقدر و از چه کس حمایت و شفاعت می کنند می ترسم بر بعضی از بنیه های ضعیف. و اینکه اگر گاهی شماها را می ترسانم از باب این است که شماها قدری متذکر شوید و عقوبت های دنیا و برزخ را از برای خود تحصیل نکنید و الا در قیامت آن بزرگواران شفاعت خواهند کرد هرکس را که راهی به ایشان داشته باشد و عداوتی با ایشان و دوستان ایشان نورزیده باشد.

و در ادامه میفرمایند:

از کرامتهایی که خداوند عالم به آن بزرگوار (سید الشهداء ع) عطا کرده این است که در روز قیامت امر شفاعت را به آن بزرگوار مفوض می فرماید چنانکه عرض کردم که اهل شفاعت در روز قیامت هزار صف می باشند و آن بزرگوار خود به تنهایی نهصد و نود و نه صف را شفاعت می کند و آن صف دیگر را هم آن بزرگوار با سایر ائمه علیهم السلام شراکت می کند در شفاعت. پس در آن روز یکی را داخل بهشت می کنند که این بر آن بزرگوار گریسته است دیگری را داخل بهشت می کنند که این به زیارت آن بزرگوار رفته است دیگری را داخل بهشت می کنند که این در مصیبت آن بزرگوار مرثیه ساخته دیگری را که این مرثیه خوانده دیگری را که این شنیده دیگری را که این بانی مجلس تعزیه بوده دیگری را که این در تعزیه خانه خدمت کرده دیگری را به بهشت برند که این وقتی می گذشته بر جایی که نکر مصیبت می کرده اند و این شنیده و گریسته یا گریه اش نیامده اندکی دل او شکسته دیگری را که این در خانه خود نشسته بوده نکر حسین حسینی از تعزیه خانه بلند بوده و او شنیده و اندکی دلش به درد آمده و همچنین هر کسی را بواسطه همین جور سبها که اندک مدخلیتی به آن بزرگوار داشته به بهشت می برند و بسیاری را به بهشت برند که در مصیبت آن بزرگوار بر سر یا سینه زده اند آیا نشنیده آید هرکس یک عمل حسنه او را خداوند عالم قبول فرماید جمیع گناهان او را می آمرزد. آیا هیچیک از این عزاداری های شما قبول نمی شود یا اینکه حسنه نیست کدام عمل از عزاداری آن بزرگوار افضل و بهتر؟

حال از شیخیه، باقری ها شیخی های کرمان را اهل نجات نمیدانند، آنها این ها را و بعضی از شیعیان شیخیه را. و در بین خود نیز، عارف و تفکیکی و اصولی و اخباری و غیره... هرکدام دیگری را مخلص در

عذاب کرده و بهشت را تنها به نام خود میداند. در حالی که بیشتر ایشان برای امام حسین ع گریه ها میکنند و به علی ع محبت ها دارند.

البته بنده در مورد حکم ظاهر صحبتی ندارم و فکر نکنید که صلح کلی هستم. چرا که به دلایل گوناگونی اشخاص از ایمان خارج میشوند، و هر تکفیری تبعاتی دارد، اما در مورد مکان خلد افراد نظر ندهیم و تقسیم بهشت و جهنم را به صاحب آن بسپاریم.

در این لیالی التماس دعای مخصوص از همه محبین اهل بیت علیهم السلام دارم.